

"ماموریت تحقیق" در کابل : زندگی بعد از اخراج اجباری

Janne Josefsson از تلویزیون سویدن در برنامه "ماموریت تحقیق" (Uppdrag granskning) گزارشی پیرامون اخراج

اجباری پناهجویان تهیه کرده که در تلویزیون سویدن به نمایش گذاشته شده و جناب ضیا دانش مسوول فرهنگی انجمن افغانها آنرا به دری ترجمه نموده است .



زندگی افغان ها ی پناهجو که به افغانستان برگشتانده شده اند

تحصن دو ماه در شهر های مختلف، در چهار اطراف سویدن. یک سازمانی که ادعا میکند آن عده از جوانان افغان که به کشور برگشتانده میشوند به مرگ سپرده میشوند و یک اداره که خلاف آن را ادعا دارد. برنامه (Uppdrag granskning) "ماموریت تحقیق" از تلویزیون سویدن به کابل سفر نموده است تا از آنچه افغان های برگشتانده شده با آن در کشور شان روبرو اند، آگاهی حاصل کند.



یک تعداد افراد در کنار نظارتخانه اداره امور مهاجرت در Källered در خارج از شهر (یوتیبوری) گرد آمده اند. یک بس در راه است تا بیاید و آن عده از جوانان و مردان افغان را که به شکل داوطلبانه و یا هم اجباری باید به میدان هوایی Landvetter منتقل کردند را با خود ببرد. این افراد قرار است از میدان هوایی مذکور ذریعه یک طیاره که به طور خاص به کرایه (در بست ویا چارتر) گرفته شده است به افغانستان پرواز کند. برنامه Uppdrag granskning "ماموریت بررسی" یک روز قبل از اخراج این افراد با یکی از این پسر ها ملاقات نموده است.

دو ماه در نظارتخانه

روح الله افتخاری در سال 2015 از ایران (به سویدن) آمده است و میگوید 17 سال عمر دارد. او همراه با مادرش که اکنون او نیز به درخواست پناهندگی اش جواب رد گرفته در Vänersborg زندگی نموده است. اما برخلاف ، برادر بزرگ روح الله توانسته اجازه اقامت در سویدن را بدست بیاورد. روح الله مدت دو ماه را در نظارتخانه بسر برده است.

او میگوید: این برای من خیلی دشوار است. من دو سال را در اینجا (سویدن) زندگی کرده ام، به مکتب رفته ام، ورزش نموده ام و خوش بوده ام. من امیدوار بودم تا بتوانم اجازه اقامت در سویدن را بدست بیاورم. اما آنها من را دوباره (به افغانستان) میفرستند.



روح (اله) میگوید خواب های وحشتناکی میبیند و ترس دارد تا افرادی که پدرش را به قتل رسانده اند بیایند و او را نیز بکشند.
- روز ها و شب ها به سختی میگذرد. آنها مرا به کشوری میفرستند که من هرگز در آن نبوده ام، من حتی در آنجا تولد نیز نشده ام.

بیشترین تعدادی پناهجویان بدون همراه در سویدن

در اروپا کشوری وجود ندارد که به اندازه سویدن تعدادی زیادی از پناهجویان بدون همراه را پذیرفته باشد. در جریان سال 2015، حدود 35000 تن وارد سویدن گردیدند که از آن جمله 23000 آنها را افغان ها تشکیل میدادند. از جمله افرادی که سن شان کمتر از 18 سال ارزیابی گردیده است، اکثریت شان توانسته اند اجازه اقامت را بدست بیاورند. اما از افرادی که در جریان روند بررسی تقاضا پناهجویی شان به سن 18 سالگی رسیده اند، کمتر از 10 فیصد شان تا اکنون توانسته اند اجازه اقامت را حاصل نمایند.
اکنون تعدادی زیادی از جوانان افغان در انتظار اخراج از سویدن بسر میبرند. این موضوع برای سویدن به عنوان یک کشور بشردوست به یک مسأله اذیت کننده و از نگاه سیاسی حساسی مبدل شده است.
در این حال تعدادی بیشتر و بیشتری علیه این تصمیم اعتراض میکنند.
فاطمه خاوری یکی از چندین سخنگوی (سازمان) Ung i Sverige میباشد. سازمانی که توسط یک تعداد از جوانان افغان برای اعتراض در برابر اخراج پناهجویان تشکیل گردید. او به عنوان یک دختر 17 ساله در میان همه پسران، برجسته به نظر میرسد. فاطمه خاوری که دو سال قبل به سویدن آمده است، خودش دارای اجازه اقامت میباشد.
او میگوید: آنها انسان ها را مستقیماً به کام مرگ میفرستند.



از او پرسیده شد:

من باید در مورد آنچه شما گفته اید و دیگران هم میگویند بپرسم و آن اینکه: هرگاه اینها دوباره فرستاده شوند آیا به کام مرگ فرستاده میشوند؟

فاطمه خاوری: مطمئناً به مرگ (فرستاده میشوند).

- مطمئناً به مرگ، به چی تعدادی از افرادی که بازگشتانده شده اند به قتل رسیده اند؟

- آیا باید من برای شما احصائیه بدهم.

بلی، چون شما میگویند که آنها مطمئناً کشته خواهند شد.

- بلی، اما آیا مرگ صرفاً میتواند فزیک (جسمی) باشد؟ آن طوری که من میدانم مرگ نه تنها جسمی بلکه روانی نیز است.

پس (مرگ) به این معنی نیست که آنها میمیرند؟

فاطمه خاوری میگوید: از نگاه روانی همه میمیرند. همه، همه و این (مرگ جسمی و مرگ روانی) هیچ تفاوتی ندارد، همه از نگاه روانی میمیرند.

قوانین مهاجرتی شدیدتر میشوند

از اکتوبر 2015 به این طرف برخی از قوانین مهاجرتی دشوار ساخته شده است. از جمله امکانات بدست آوردن اجازه اقامت دائمی شدیداً محدود ساخته شده و همچنان به اجازه اقامت موقتی نیز حد اعظم سه سال اعتبار داده شده است. برای آن عده از مهاجران بدون همراه که در مورد سن شان شک و تردید وجود دارد معاینات صحتی جهت تعیین نمودن سن شان اجرا میگردد.

رئیس کل اداره امور مهاجرت، میکائیل ریبنویک (Mikael Ribbenvik) شخصی است که مسئولیت نهایی تطبیق این سیاست تغییر یافته پناهجویی در سویدن (قانون موقت پناهندگی سویدن) را دارا میباشد.



او میگوید: ما مردم را برای کشته شدن نمی فرستیم.

- شما این مطلب را چطور میدانید؟

- بلی، من این مطلب را از بابت آنچه را که ما در این مورد انجام میدهیم میدانم. چه از طریق معلومات در مورد کشور و چه از طریق ارزیابی های حقوقی.

- من نمیخواهم موضوع را شکل نسبی بدهم. من هرگز نمیخواهم که کابل را با اروپا مقایسه کنم. افغانستان یک جا خیلی خطرناکتر (در مقایسه با اروپا) است. اما این را باید دانست که برای دریافت پناهندگی باید خطر زیادی متوجه

شخص باشد. همچنان اگر ما بگوییم که همه (افغان ها) باید بتوانند (در سویدن) باقی بمانند، یعنی همان موضوعی که تا حدی زیادی این بحث به آن ارتباط میگیرد، در آن صورت اصلاً شرایط (معیار های) کاملاً دیگری وجود خواهد داشت (افغانستان در وضعیتی قرار ندارد که همه افغانها اقامت دریافت نمایند). در آن صورت ما در مورد موقعیتی که سوریه در آن قرار دارد صحبت خواهیم کرد و افغانستان در موقعیت سوریه قرار ندارد.

اما در این صورت آنچه را شما در اینجا میگویید بدان معنی است که آنچه را آنها میگویند نادرست است؟
- در این مورد باید من کاملاً صریح باشم. واضح است که یک اداره سویدنی انسان ها را از روی قصد یا به شکل آگاهانه به مرگ نمی فرستد. وظیفه ما در کل اینست که به انسان ها پناه بدهیم.

اگر آنها تجدید نظر کنند و در عوض بگویند که انسان دچار مرگ روانی میگردد، در آن صورت چه میگویید؟
- در آن صورت من با آنها همنظر خواهم بود. من به این باور هستم که تعدادی زیادی از این جوانان همین احساس را دارند. خصوصاً زمانی که آنها یک مدت طولانی را در اینجا زندگی کرده باشند. در اینجا ارتباطاتی را تأمین نموده برایشان دوستانی را یافته باشند که از آنها حمایت میکنند. این زندگی را دیده باشند و بعداً مجبور ساخته شوند تا به آن زندگی برگردند. در این حالت بلی، من کاملاً با آنها موافق هستم.

اما این که نمیتواند چیزی را تغییر بدهد؟

- نه، ما این نوع امید های از دست رفته یا تفاوت ها باور نکردنی را در جهان خود مشاهده میکنیم. تفاوت میان افغانستان و سویدن - این تقریباً بزرگترین تفاوت در جهان است که میتوان آن را داشت. اما حق بین المللی پناجویی نباید وسیله ای باشد برای کاهش این تفاوت.

برادر عصمت خودکشی کرد

اما روند بررسی تقاضای پناجویی در سویدن تا چه حد بشردوستانه و از نگاه حقوقی مطمئن است؟
عصمت هاشمی در سال 2015 به تنهایی وارد سویدن گردید. او در آن زمان بر مبنای بررسی های اداره امور مهاجرت 14 سال عمر داشت. در آن زمان اسد برادر او که دو سال بزرگتر از عصمت بود، در سویدن زندگی میکرد.

در جریان خزان هر دو برادر جواب رد گرفتند. به باور اداره امور مهاجرت اخراج عصمت 16 ساله ممکن بود. زیرا او در افغانستان فردی را داشت که او را بپذیرد و این فردی که باید عصمت را در افغانستان میپذیرفت همان برادرش بود در سویدن زندگی میکرد، زیرا پدر و مادر آنها هر دو فوت نموده اند. از طرف دیگر برادر او دارای معیوبیت بینایی نیز است. این قضیه هرگز جهت تجدید نظر به محکمه اداره امور مهاجرت فرستاده نشد. در کمتر از دو روز بعد از اخذ این تصمیم برادر عصمت دست به خودکشی زد.

عصمت هاشمی خودش را قهر و غمگین احساس میکند.

از او پرسیده شد که بالای چه کسی قهر است؟

- اداره امور مهاجرت. من به اداره امور مهاجرت گفته بودم که حال برادرم خوب نبوده و او خودکشی خواهد کرد.

بعد از این خودکشی اداره امور مهاجرت در مورد عصمت تصمیم تازه گرفت. در فیصله تازه اداره امور مهاجرت نوشته شده است: "برادر تو اکنون فوت نموده است. به همین دلیل اداره امور مهاجرت در مییابد که با در نظر داشت شرایط حاضر، تصمیم قبلی اش کاملاً نادرست میباشد".

همین اکنون در مورد برادرت چه فکر میکنی؟

- من فکر میکنم که او اکنون خوشحال است. زیرا او دیگر هیچ کدام مشکلی ندارد. همچنان او خوشحال است که من توانسته ام در سویدن باقی بمانم و میتوانم با برادر/خواهرم دیدار نمایم. زندگی، یعنی اجازه اقامت.

بعد از این واقعه خودکشی اداره امور مهاجرت بررسی هایشرا اجرا نموده و به این نتیجه رسید که تصمیم برای اخراج برادران مذکور نادرست بوده است. در این تصمیم اداره مهاجرت همچنان گفته شده است که قابلیت های حقوقی در اداره مذکور باید ارتقا یابد تا باشد در آینده همچو حادثاتی اتفاق نیفتد.

- بعضاً ما تصامیم نادرستی را اتخاذ میکنیم. در داور اینست که این (قضیه) نتوانست به طور کامل پیش برود بلکه موجب گردید تا یک جوان خودش را وادار به خودکشی کند. این مطلب را Fredrik Bengtsson مدیر ارتباطات در اداره امور مهاجرت میگوید.

یک طیاره به کرایه گرفته شده (چارتر) در کابل نشست میکند

بالاخره از نظارتخانه Källered صرفاً هفت نفر از مجموعاً پانزده تن مجبور ساخته میشوند تا ذریعه سرویس (بس) به جانب همان طیاره منتقل گردند که انتظار پرواز به طرف افغانستان را میکشد.

صبح روز یازدهم اکتوبر طیاره به کرایه گرفته شده (چارتر) به میدان هوایی کابل نشست میکند. در این طیاره روح الله نیز قرار دارد. این طیاره در اتریش نیز نشست نموده و از آنجا هم افرادی را با خود گرفته است. مجموعاً 21 تن افغان که اخراج شده اند در این طیاره قرار دارند.



گروه برنامه " ماموریت تحقیق " (Uppdrag granskning) با روح الله در میدان هوایی کابل ملاقات نموده است. - حال من خیلی بد است. آنها در جریان همه سفر از سویدن تا کابل دستانم را بسته بودند. ما نمیتوانستیم به تشناب برویم و یا هیچکاری کنیم.

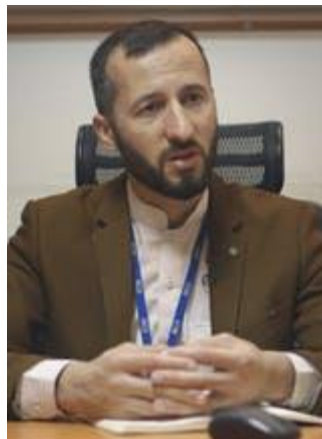
در پارکینگ میدان هوایی روح اله به یک موتر تکسی رهنمایی میشود که او را به هتل سپین زر که در مرکز شهر کابل موقعیت دارد، انتقال میدهد. در آنجا او و تعدادی زیادی از همراهانش جایجا ساخته میشوند. آنها میتوانند تا 14 روز در آن هتل زندگی کنند. مسئولیت بود و باش و همچنان ترانسپورت را IOM یا سازمان جهانی مهاجرت که با اداره امور مهاجرت سویدن همکاری میکند، بعهده دارد.

مسعود احمدی از سازمان جهانی مهاجرت ، کار با مهاجرین را رهبری میکند. از او پرسیده شد: شما نظر دارید، به باور شما بزرگترین مشکل برای افرادی برگردانده شده در زمانی برگشت آنها به کابل و یا افغانستان چه میباشد؟

- من فکر میکنم که بزرگترین مشکل ارتباط میگیرد به امکانات دراز مدت اقتصادی در کشور. من به تازگی با 18 فرد برگشت کننده مصاحبه نمودم. آنها در ساحة اجتماعی مشکلات زیادی نداشتند. اما وقتی اقتصاد مطرح میگردید، آنها با مشکلات زیادی روبرو بودند تا بتوانند زندگی را پیش برده و با کمک اندکی که از IOM بدست آورده بودند برای شان یک زندگی جدید را آغاز نمایند. "

پس به باور شما پرابلم های اقتصادی، مشکلات بزرگتری اند در مقایسه با امنیت؟

- صادقانه بگویم، امنیت یک مشکل همگانی برای همه افغانهاست، نه صرفاً برای افغان های برگشت نموده. خوب اوضاع چنین است و انسان ها در اینجا زندگی میکنند و انسانها با این شرایط زندگی میکنند. ما از سال 2002 به این طرف در کل 20000 تن برگشت کننده داشته ایم. اما یک حادثه امنیتی، که ما حداقل ما از آن آگاهی داشته باشیم، را نداشته ایم.



تا جاییکه موضوع به اخراج افغان ها ارتباط میگیرد، امنیت یک موضوع بحث برانگیز است. افغانستان از مدتی زیادی به این طرف از جنگ و درگیری های مسلحانه متاثر بوده است. امروز دولت افغانستان حدود 60 فیصد کشور را تحت کنترل داشته در متباقی حصص کشور، کم و بیش طالبان حاکمیت دارند. حتی داعش نیز در کشور مستقر میباشد.

افرادی غیرنظامی در قدم اول قربانی بمبگذاری ها میشوند. بمبگذاری ها افرادی را که در یک مکان نامناسب در محل قرار دارند، کور کورانه هدف قرار میدهد.

نظر به احصائیه سازمان ملل متحد در جریان سال های اخیر رقم قربانیان غیرنظامی در افغانستان حدودی 3500 تن در سال بوده است. هرگاه تعدادی مجروحین نیز شمار شود در آن صورت این رقم افزایش خواهد رفت. در این مورد که به چه تعداد از افغان های برگشت کننده به قتل رسیده اند، ارقام دقیقی موجود نبوده و سازمان جهانی مهاجرت نیز تصویر کاملی را در این ارتباط در اختیار ندارد.

بم های دستی در خارج از هتل منفجر گردید

برنامه Uppdrag granskning از طریق گزارشاتی از کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان، سازمان عفو بین الملل و سازمان های غیر انتفاعی و همچنان از طریق وسایل ارتباط جمعی اطلاع حاصل میکند که پنج تا شش تن (از جمله افراد برگشت کننده) در جریان سال های اخیر به قتل رسیده اند. اما این واقعات قتل، تأیید شده نیست.

ما اطلاعاتی قابل باوری را بدست آوردیم که بر مبنای آن در میان افغان های اخراج شده از کشور های شمال اروپا دو تن به قتل رسیده اند که یکی از آنها در سال 2014 از سویدن اخراج گردیده بود.

روح الله هفته نخست را با دشواری سپری میکند. یک بمبگذار انتحاری خودش را در داخل یک مسجد شیعه ها در غرب کابل منفجر میسازد که در آن حداقل 56 تن به قتل میرسند. اما دامنه خشنونت ها در نزدیکی هوتلی که روح الله در آن زندگی میکند نیز کشانده میشود. طوری که بالای یک پسته امنیتی پولیس در خارج از هتل او حمله صورت میگیرد. یک شخص غیر نظامی به قتل میرسد و چندین کلکین در لابی هتل نیز میشکند.

در سویدن چندین رسانه به قضیه روح الله میپردازد. اما اطلاعاتی زیاد ضد و نقیض وجود دارد. زمانی که ما به بررسی های اداره امور مهاجرت در مورد روح الله دسترسی پیدا میکنیم معلوم میشود که او در پنج کشور مختلف در اروپا تقاضای پناهندگی نموده است. البته سه بار هم با هویت نادرست. او حتی در سال 2009 در اتریش تقاضای پناهجویی نموده بوده ولی یک بررسی نشان داده است که سن او خلاف آنچه خود مدعی بوده، بیشتر از 18 سال بوده است. مجموعاً سه کشور اروپایی تصدیق نموده اند که روح الله بزرگسال بوده و سال تولد او را 1990 تعیین کرده اند. به این ترتیب او باید 27 ساله بوده باشد.

هویت نادرست را ارائه نمود

روح الله به ما گفته بود که او 17 ساله است. اما او بعداً از طریق تلفون از کابل به ما توضیح داد که هویتش را نادرست ارائه نموده بوده زیرا نمیخواسته تا دوباره به یونان فرستاده شود. زیرا بر مبنای قانون باید شخص در اولین کشوری که وارد آن میشود، تقاضای پناهندگی کند.

سازمان Ung i Sverige میگوید آنها کشته میشوند، اما برنامه Uppdrag granskning به معلوماتی دست مییابد که صرفاً از کشته شدن یک پسر افغان که از سویدن اخراج شده بود، حکایت میکند. در سویدن تعدادی بیشتری که انتظار برای برگشتاندن را میکشند خودکشی کرده اند.

ترجمه از احمد ضیا دانش

منبع

<https://www.svt.se/special/afghanutvisningarna/>

www.afghanha.se